



## خروج از مدرنیته بدون حضور امام معصوم امکان ندارد

مهدی نصیری گفت: مدرنیته به گونه‌ای ما را احاطه کرده است که خروج از آن، مگر با حضور امام معصوم امکان ندارد. تنها با ظهور امام زمان (ع) است که امکان تحقق تمدن تراز اسلام وجود دارد.

مهدی نصیری گفت: مدرنیته به گونه‌ای ما را احاطه کرده است که خروج از آن، مگر با حضور امام معصوم امکان ندارد. تنها با ظهور امام زمان (ع) است که امکان تحقق تمدن تراز اسلام وجود دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست تخصصی با عنوان «امکان‌سنجی تأسیس تمدن اسلامی در عالم پست مدرن» به همت مؤسسه مطالعات تمدن اسلامی روز شنبه ۱۵ فروردین ماه در فرهنگسرای مهر کاشان برگزار شد. در این نشست علمی که با حضور اساتیدی چون دکتر بیژن عبدالکریمی، حجت الاسلام سیدمحمدحسین متولی امامی، مهدی نصیری و سیدحسین شهرستانی برگزار شد، امکان‌سنجی تحقق تمدن اسلامی در عصر غیبت و در دورانی که اصطلاحاً عالم پست مدرن نامیده شده، مورد بررسی واقع شد.

در ابتدای جلسه بیژن عبدالکریمی، تفکر خود را برگرفته از سنت فکری اگزیستانسیالیسم خواند و گفت: زبان من پدیدارشناسانه و وجودشناسانه است. وجود تنها پدیدار اصیل است.

وی سخن گفتن از «تمدن اسلامی» را نوعی تفوه و یاوه‌گویی خطاب کرد و آن‌را امری غیرواقعی و انتزاعی خواند.

وی با بیان این‌که اراده بر تمدن‌سازی، نوعی سوپرناتیویسم و خودبنیادی انسان است، ولو این‌که این انسان‌ها انگیزه دینی داشته باشند، تأکید کرد که اساساً تمدن‌ها در دل تاریخ و خارج از اراده آدمیان شکل می‌گیرند. کسی نمی‌تواند بگوید من تمدن‌سازی می‌کنم. تمدن‌ها، محصول فرهنگ‌هاست و فرهنگ، محصول آن نگرش جهان‌شناختی متفاوتی است که در هر فرهنگی وجود دارد و این تفاوت‌های فرهنگی و بینش‌های جهان‌شناختی، محصول تفاوت‌هایی است که در ظهورات «امر قدسی» در هر جامعه وجود دارد.

وی در ادامه سخنانش اظهارداشت: «تمدن‌ها ظهور و تجسم فرهنگ هستند. چرا فرهنگ‌ها متفاوت‌اند، چون ظهور سنت‌های نظری تاریخی‌اند. چرا سنت‌های نظری تاریخی متفاوت‌اند، چون انواع وجودشناسی‌ها متفاوت‌اند. چون برای آن‌که حقیقت و معرفت در هر فرهنگ متفاوت فهمیده می‌شود. تفاوت وجودشناسی، گونه‌های مختلف تجلی وجود در فرهنگ‌ها متفاوت است. این نحوه ظهور به نحوه ظهور در حوزه راز و حوزه سر مربوط می‌شود. تفکر و کنش امری انسان‌محور نیست».

استادیار فلسفه دانشگاه آزاد تهران شمال، با بیان اینکه در لسان من مقولاتی مثل وجود، مثل عالم مثل تاریخ، همان امر احاطه کننده است، شرط استعلایی شناخت را همان امر احاطه‌کننده دانست و شناخت را امری انکشافی و نه تولیدی دانست. وی گفت: در کسانی‌که به دنبال تمدن اسلامی هستند، تفکری سکولار و عمیقاً نهیلیستی وجود دارد. دو گونه نهیلیسم وجود دارد. نیچه نهیلیسم آشکار را سخن می‌گوید، اما داعش و طالبان، نهیلیسم غیرمستقیم هستند.

در نوبت بعدی، مهدی نصیری نیز از زاویه دیگری، امکان تمدن‌زایی در تراز اسلام را انکار نمود و منبع فکری و معرفتی خویش را آیات، روایات و عقل دانست.

وی افزود: ما دو مانع جدی برای حرکت به سوی تمدن اسلامی داریم؛ از سویی مدرنیته است که همه زندگی ما را پرکرده است و از سوی دیگر، مشکلاتی است که در عصر غیبت ظهور می‌کند و انسان‌ها را در حرج می‌اندازد. او با بیان روایاتی در باب عسرت عصر غیبت، انسان‌ها را بیچاره و به دور از توانایی‌های مناسب برای زندگی دانست.

وی با اذعان به این‌که تحقق نسبی تمدن اسلامی ممکن است، تلقی رسمی از این‌که مسلمین می‌توانند یک تمدن مناسب و کارآمد بسازند را توهم دانست.

نصیری تأکید کرد: مدرنیته به گونه‌ای ما را احاطه کرده است که خروج از آن، مگر با حضور امام معصوم امکان ندارد، از این‌روی به زعم وی، تنها با ظهور امام زمان (ع) است که امکان تحقق تمدن تراز اسلام وجود دارد. به میزانی که مؤمنین بسط ید داشته باشند، تا اندازه ممکن به تمدن‌زایی پرداخته، اما باید دانست که کمتر از ۴۰ درصد تمدن اسلامی محقق خواهد شد.

دلیل دیگر مهدی نصیری بر عدم امکان ظهور یک تمدن کارآمد اسلامی، عدم تفاهم نظری نخبگان در عصر غیبت بود. بنابراین، نمی‌توان گفت که کدام نظر فقهی و اجتهادی درست است که بعد از آن به فکر تمدن‌سازی بیافتیم.

نصیری ادامه داد: حرف عبدالکریمی یک‌گونه نگرش پلورالیستی و وحدت وجودی را القاء می‌کند که با این افکار، باید بگوییم که داعش و طالبان هم یک‌گونه از تجلی آن امر قدسی در فرهنگ خواهد بود و این جریان‌ها نیز ارزش‌مند و قابل تقدیراند. چه منطقی برای نقد و انکار یک جریان باقی می‌ماند؟

در نوبت سوم، سید حسین شهرستانی مدیر مؤسسه اشراق، با تأکید بر اینکه من هم اراده‌گرایی در تمدن‌سازی را قبول ندارم، امکان حرکت به سوی یک تمدن اسلامی کارآمد را غیرممکن ندانست. وی گفت ما نمی‌توانیم پیش‌گویی کنیم که آیا تمدن اسلامی رخ می‌دهد یا نه. اگر قرار باشد اتفاق بیافتد، با انکار آن از بین نمی‌رود و اگر قرار باشد، اتفاق نیافتد، با شعارهای زیاد

محقق نمی‌شود.

وی با بیان این‌که تکلیف‌محوری موجب تمدن‌زایی می‌شود گفت: «در تکلیف از خودگذشتگی نهفته است. هر تمدنی با از خودگذشتگی صورت می‌گیرد. دورکیم برای همین در جامعه‌شناسی می‌گوید جامعه همان خداست. جامعه با خودبنیادی سامان می‌گیرد». شهرستانی در ادامه بر این نکته تأکید کرد که همه تمدن غربی، زمینه‌های دینی و ماورایی دارد و حتی وبر هم اگر عمیق بخوانیم، افسون‌زادی نیرویش را از دین گرفته است.

وی ادامه داد: «آیا هیچ تمدنی وجود دارد که خارج از حوزه دین شکل گیرد. دورکیم می‌گوید نقطه آغاز جامعه نقطه آغاز دین است». وی در پایان گفت: «در بدو تأسیس تمدن مدرن هم، بزرگانی هم که می‌خواستند جهان را از دین خالی کنند، آن‌ها هم دست به دامان دین شدند».

سید حسین شهرستانی در جواب نصیری گفت ما نمی‌گوییم یک تمدن مطلوب در مقیاس تمدن مهدوی ایجاد خواهیم کرد، اما به هر حال، باید یک تمدن متوسط را دنبال کنیم. از سوی دیگر، زمینه‌سازی ظهور کار کیست؟ حرکت به این سمت و سوی، یک گونه از حرکت تمدنی است.

در نوبت پایانی، حجت الاسلام سید محمدحسین متولی امامی، با دفاع کامل از شعار تمدن‌زایی اسلامی، گفت: «ما نگرش‌های تاریخی را می‌پذیریم، اما مانند آقای عبدالکریمی، لوازم حرف ما منجر به جبرگرایی تاریخی نمی‌شود». به زعم بنده آقای عبدالکریمی باید تفکر را توضیح دهد و مقصود خویش را از آزادی انسان در تاریخ به خوبی روشن نماید. ما بر این باوریم که تمدن اسلامی، ممکن است، البته مطابق با امکان‌های تاریخی که پیش روی جریان دینی است. خوب هرچقدر در این زمینه موفق شدیم، به تمدن مطلوب نزدیک می‌شویم. قطعاً آقای نصیری با این نسبیت در تمدن و مشکک بودن آن مخالف نیست.

مدیر مسئول موسسه مطالعات تمدن اسلامی، با بیان این‌که متأسفانه هیچ یک از اساتید به تعریف تمدن نپرداختند، به تعریف تمدن پرداخت و تأکید کرد: تمدن اسلامی، یعنی سامان عینیت و خارجیت، برای سلوک بهتر و تقرب بیشتر به سوی خدا. بنابراین، مادیت برای ما اصالت ندارد، بلکه باید زمینه‌هایی در جامعه فراهم کرد که امکان سلوک معنوی بیشتر، و موانع بندگی کمتر شود. این معنای تمدن اسلامی است.

متولی امامی با بیان این‌که اگر عبدالکریمی و نصیری می‌پذیرند که امکان حرکت اصلاحی و رو به تکامل برای جامعه و سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی فراهم است، نتیجه آن می‌شود که حرکت به سوی تمدن‌زایی اسلامی امری ممکن بلکه لازم است. البته آقای نصیری توضیح ندادند که چرا فقط با ظهور امام عصر است که مدرنیته از بین می‌رود. با توجه به وضعیتی که در ۶۰ سال اخیر در اندیشه‌های غرب رخ داده، تفکر فلسفی غرب به نهایت رسیده و امید اضمحلال و حتی استحاله فرهنگ غربی در دیگر فرهنگ‌ها وجود دارد و یا حداقل ناباورانه نیست. به نظرم در اندیشه آقای عبدالکریمی و آقای نصیری، گونه‌ای از کرختی و افسردگی دیده می‌شود.

امامی تأکید کرد: اگر اراده‌گرایی را در هر وجهی خودبنیادی بدانیم، امید از میان می‌رود و انگیزه‌ای برای حرکت نخواهد ماند. در صورتی که ما از منطق حجیت و به قول آقای شهرستانی با توجه به تکلیف دینی حرکت کنیم، از سویی از خودبنیادی خارج شده‌ایم و از سوی دیگر، انفعال در برابر تاریخ را انکار کرده‌ایم. قطعاً بخشی از حرکت تمدنی شیعی، خارج از اراده انسان‌هاست، اما اگر اراده‌ها را محو و نابود در تاریخ کنیم، دیگر نه انگیزه‌ای برای حرکت می‌ماند و نه اراده‌ها در تاریخ ارزشمند باقی خواهد ماند. از حرف‌های آقای عبدالکریمی سکون و انفعال استشمام می‌شود. منطق حجیت نه تنها خروج از سوژکتویسم را ممکن می‌کند، بلکه حتی دغدغه آقای مهدی نصیری مبنی بر عدم تفاهم نظری را پوشش می‌دهد. همه نظرات فقیهان در عصر غیبت حجت است و هر یک عملی‌تر بود و در آزمون و خطا جواب داد، همان نیز قابلیت اجرا پیدا می‌کند.

در پایان حجت الاسلام سیدمحمدحسین متولی امامی، با بیان این‌که هیچ تمدنی محقق نشده است، الا این‌که از معبر سیاست و قدرت، سیاست‌گذاری شده باشد، تأکید کرد: با توجه به جایگاه ولایت فقیه در اندیشه‌های سیاسی شیعه، تمدن اسلامی طرحی فقهی دارد و برای کشف این طرح کلان، نیازمند فقه حکومتی و در نهایت فقه تمدن هستیم. این نگرش ما را به این تفکر رهنمون می‌کند که امکان تأسیس تمدن اسلامی با وجود شرایطش، در ادامه حرکت انقلاب اسلامی قابل قبول و محتمل است.